

دکتر حسین بنی فاطمه *

تطبیق موردی شهر نشینی شمال و جنوب ایران

چکیده:

این مقاله به بررسی تطبیقی جمعیت شهر نشینی دو استان گیلان و سیستان و بلوچستان پرداخته است و سعی دارد تا با به کارگیری تئوریهای متناسب با موضوع در دو استان مورد مطالعه، قانونمندی های حاکم بر فرایند شهر نشینی در این دو استان را مطالعه کند. از این رو به مطالعه منابع و اطلاعات نظری موجود در کتاب و مقالات مربوط به شهر و جامعه شناسی شهری پرداخته و با استفاده از داده های آماری سرشماری های سال های ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵ موارد مختلف موضوع شهر نشینی را مورد بررسی قرار می دهد. مهمترین نکات این مقاله، میزان تراکم نسبی و تراکم جمعیت شهرنشین، نقش مهاجرت در میزان جمعیت شهرنشین استان های مورد مطالعه، تعیین عوامل مؤثر بر نحوه سکونت (شهری یا روستایی) و ... می باشد.

* - عضو هیات علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه تبریز.

همچنین این مقاله، جمعیت شهرنشین استان های مورد مطالعه را با همدیگر و با جمعیت شهر نشین کل کشور مقایسه می کند و سپس به پیش بینی جمعیت شهرنشین استان های گیلان و سیستان و بلوچستان در سال ۱۳۸۵ می پردازد که هدف از آن مقایسه درصد جمعیت شهرنشین استان های مورد مطالعه در سالهای مختلف است. در نهایت یک نتیجه گیری کلی از مقاله با توجه به مباحث مطرح شده، ارائه شده است.

مقدمه :

«شهر و شهرنشینی در تاریخ پرفراز و نشیب زندگی انسان، پدیده تازه ای نیست. قدمت و اهمیت شهرنشینی و عنایت صاحبان قدرت، اندیشمندان همه قرون و اعصار را بر آن داشته است تا بر جنبه های مختلف جسم و روح شهر درنگ کنند و بکوشند تا قانونمندی های زندگی شهری را دریابند و بر پایه یافته های خود به طراحی و برنامه ریزی شهری دست یازند»^۱.

“شهری شدن در قرن بیستم فرایندی جهانی است که جهان سوم به گونه فزاینده ای به آن کشانده می شود. قبل از سال ۱۹۰۰ تقریباً رشد شهرها منحصر به شهرهای غرب بود. پنجاه سال بعد از آن افزایش در رشد شهرها در جهان سوم پدید آمد. اما دوره اصلی رشد آنها در طول چهل و چند سال گذشته بوده است. روی هم رفته، به طور کلی رشد جمعیت شهری خیلی سریع تر از رشد جمعیت جهانی است: ۳۹ درصد جمعیت جهان در سال ۱۹۷۵ در نقاط شهری زندگی می کردند و بر طبق برآورد سازمان ملل، این رقم در سال ۲۰۰۰ به ۵۰ درصد و در سال ۲۰۲۵ به ۶۳ درصد خواهد رسید”^۲

در این میان کشورها از نظر مطالعات شهری چندان مورد توجه قرار نگرفته اند و بجز معدودی مطالعات پراکنده، مطالعات همه جانبه در مورد

شهرنشینی ایران، در خصوص فرایند تاریخی شهرنشینی، انجام نگرفته است و از آنجا که هر گونه مطالعه ای در زمینه شهر بدون توجه به عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و اکولوژیک کامل نخواهد بود، لزوم چنین مطالعاتی بیشتر احساس می گردد.

در این مقاله، ما برآنیم تا یکی از مهم‌ترین عوامل زندگی شهری (جمعیت شهر نشین) را در بین استانهای گیلان و سیستان و بلوچستان بررسی و ضمن مطالعه جمعیت شهرنشین این دو استان از سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۷۵، به عوامل مهمی که باعث تراکم جمعیت و میزان جمعیت شهرنشین دو استان می گردد، توجه کنیم و به عوامل موثر در تعیین میزان جمعیت شهرنشین، اشاره نماییم.

چارچوب نظری

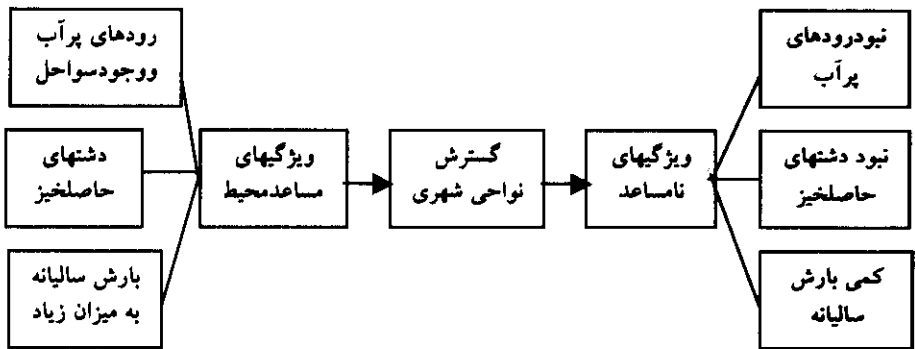
دیدگاه بوم شناختی (اکولوژیک)

مفهوم ناحیه های طبیعی، بیانگر سکونتگاههای گروههای مردمی است که به علت زندگی در قلمرو مشترک، فرهنگهای مشخص و متمایزی را پدید می آورند. این نواحی از آن روی طبیعی خوانده می شوند که با برنامه قبلی ایجاد نشده اند و در واقع خودرو هستند؛ از این رو نتیجه طراحی قبلی به شمار نمی آیند. بلکه گرایشهای ذاتی موقعیت شهری را بروز می دهند. این نواحی در دیدگاه مکتب اکولوژیک دارای اهمیتی اساسی هستند، زیرا ابزاری روش شناختی به حساب می آیند و همبستگی فضا و فعالیت‌های اجتماعی را به نمایش می گذرانند و ملاک و مرجعی در اختیار محققان قرار می دهند که آنان به کمک آن به تحقیق دست می گشایند و پس از پژوهش می توانند نتایج را با سایر نواحی طبیعی مشابه مقایسه کنند. از سوی دیگر، نواحی طبیعی، پایه سازمان

اجتماع محسوب می شوند و پژوهندگان را یاری می دهند تا مدلی نظری از شهر بنا کنند. پس مکتب اکولوژیک، در پی آن است تا بگوید که فرمهای اجتماعی با فضا و مکان رابطه ای تنگاتنگ دارد و توزیع مکانی جمعیت از ارتباط دایمی رقابت و اجتماع در چارچوب مکانی شکل می گیرد.^۳

دیدگاه اکولوژیک، به این نکته معطوف است که رشد شهرها در واکنش به ویژگیهای مساعد طبیعی صورت می گیرد. برای مثال، نواحی بزرگ شهری در جوامع امروزی، معمولاً در امتداد سواحل رودخانه ها و یا در مکانهای حاصلخیز به وجود می آیند.

نمودار شماره ۱ - دیاگرام علی تئوری بوم شناختی



استان گیلان

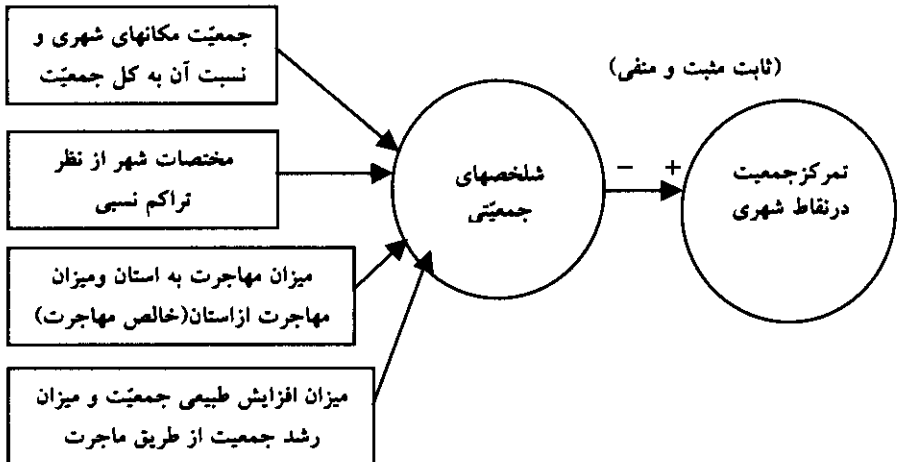
استان سیستان و بلوچستان

دیدگاه جمعیت شناختی

این مکتب، جمعیت را متغیر اصلی و محور مطالعات خود تلقی می کند و شهر و شهرنشینی را در پرتو این متغیر می نگرد و می کوشد تا به یاری فنون کمی علم جمعیت (Demography) شاخصهای جمعیتی متنوعی را برای کل

جمعیت شهر نشین محاسبه کند و از مقایسه نتایج به دست آمده، روابط بین متغیرها را دریابد و در نهایت قانونمندی های جمعیتی مستقر در آنها را استخراج کند. برخی از مهمترین متغیرهای شهری و نسبت آن به کل جمعیت کشور، مختصات جمعیت شهرها از نظر تراکم، سکونت، فضای زیستی، اشتغال، میزان و نرخ مهاجرت از شهر یا مهاجرت به شهر، میزان افزایش جمعیت از طریق مهاجرت خالص، میزان افزایش طبیعی جمعیت شهرنشین در مجموع و در هر یک از شهرها؛ اما متغیرهای جمعیتی تا بدان جا که به شهر مربوط می شوند، بیشتر حول محور شهری شدن (Urbanization) و جامعه شهری (Urban society) دور می زنند. شهری شدن به زعم جمعیت شناسان تجربه گرا و علاقه مند به مباحث شهر، فرایند تمرکز جمعیت است که در افزون شدن نقاط شهری و افزایش جمعیت ساکن این نقاط منعکس می شود.

نمودار شماره ۲: دیاگرام علی تئوری دموگرافی



دیدگاه اقتصاد سیاسی فضا

این دیدگاه از گرایشهای بسیار متفاوتی تشکیل شده است که ما از میان آنها به تئوری مانوئل کاستل (Manuel castells) اشاره می‌کنیم. کاستل برای پدیده شهری شدن در جوامع پیرامونی چند ویژگی ذکر می‌کند:

۱- تمرکز جمعیت (فعالیت‌های اقتصادی در یک یا چند منطقه شهری بدون ادغام آنها در یک شبکه شهری).

۲- فقدان یک طیف در سلسله مراتب شهری

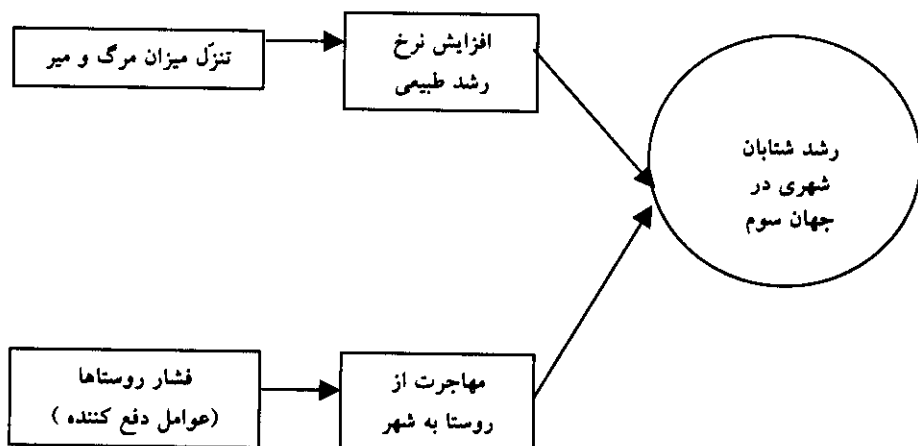
۳- عوامل فرهنگی اجتماعی بین اجتماعات روستایی و مناطق شهری

وی می‌افزاید: از یک سو باید بین صنعتی شدن مسلط و شهرنشینی وابسته و از سوی دیگر بین شهرنشینی و رشد در کشوری که از فعالیت‌های مدرن تکنولوژیک برخوردار است، رابطه‌ای فرض کرد. به عبارت دیگر، هرچند بین رشد صنعتی و شهرنشینی در غرب رابطه مثبت برقرار بوده، اما این رشد صنعتی در جوامع جهان سوم، شهرنشینی وابسته را به دنبال داشته است. وی در زمینه رشد شتابان شهری و صورتبندی اجتماعی جهان سوم چند فرضیه مطرح می‌سازد: الف: رشد پرشتاب مناطق شهری منوط به دو عامل افزایش نرخ رشد طبیعی جمعیت چه در شهر، چه در روستا و مهاجرت از روستا به شهر است که عامل اول نتیجه کنترل میزان مرگ و میر به دلیل پیشرفت طب است. هر چند میزان زاد و ولد به وسیله ساختمان سنی جمعیت (جوان) نیز افزایش می‌یابد، اما رشد شهری عمدتاً معلول عامل دوم یعنی مهاجرت است و بیشتر فشار روستا منجر به مهاجرت می‌گردد تا جاذبه شهر.

ب: شهرنشینی وابسته، به تمرکز بالایی از جمعیت در مناطق مادر شهری می انجامد.

ج: چون مهاجرت به سمت شهرها محصول فروپاشی ساختهای روستایی است، طبیعی است که این مهاجرت توسط نظام شهری مولد جذب نگردد.

نمودار شماره ۳: دیاگرام علی تئوری اقتصاد سیاسی فضا



تحلیل آماری شهرنشینی دو استان

تراکم جمعیت در استانهای مورد مطالعه

با وجود توسعه اقتصادی چند ساله اخیر ایران که در جابجایی جمعیت و تکوین و رشد جمعیت شهری و تکامل شهرهای ایران موثر است. هنوز جبر جغرافیایی، ناظر به حیات و تکامل شهری ایران است، بدین معنی که با وجود

افزایش تعداد شهرها، هنوز برخی نقاط با تراکم انسانی اندک وجود دارند که مانع از رشد و تکوین شهرها می گردند.^۴

جدول ۱: تراکم نسبی جمعیت ایران به تفکیک استانهای مورد مطالعه در سالهای ۵۵ و ۶۵.

استان	۱۳۵۵	۱۳۶۵	درصد کل جمعیت سال ۱۳۶۵	درصد کل مساحت ایران
کل کشور	۲۰/۴	۳۰	۱۰۰	۱۰۰
گیلان	۱۰۷/۵	۱۴۱	۱/۴	۰/۹
سیستان و بلوچستان	۳/۶	۶/۶	۲/۴	۱۱

از داده های جدول ۱ بر می آید که تراکم نسبی جمعیت استان گیلان در سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ در حدود ۴ برابر تراکم نسبی جمعیت کشور بوده است و این در حالی است که این استان تنها ۰/۹ درصد از کل مساحت کشور را به خود اختصاص داده است و در عین حال دارای ۳/۱ درصد کل جمعیت کشور در سال ۱۳۶۵ می باشد. می توان گفت که حاصلخیزی زمینهای منطقه، و کشت محصولات گوناگون باعث تمرکز و تراکم جمعیت در این استان می شود. در همین زمان استان سیستان و بلوچستان با داشتن ۱۱ درصد مساحت کل کشور، تنها ۲/۴ درصد از کل جمعیت کشور را دارا می باشد و تراکم نسبی جمعیت آن در سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ از پایین ترین تراکم های مشاهده شده در سطح کشور می باشد. علت این امر را می توان به آب و هوای گرم منطقه، عدم بارندگی و سایر عوارض جغرافیایی نسبت داد که باعث نامناسب گشتن این ناحیه برای کشاورزی و یا فعالیتهای دامداری می گردد و در نتیجه تراکم جمعیت در بعضی نقاط حتی به یک نفر در کیلومتر مربع هم نمی رسد.

جمعیت شهر نشین در استانهای مورد مطالعه

در این قسمت ابتدا به مقایسه جمعیت شهر نشین دو استان گیلان و سیستان و بلوچستان در سال های ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۵ می پردازیم و سپس داده های جدول ۲ را با جدول ۳ مقایسه خواهیم کرد تا میزان رشد جمعیت شهر نشین را در سالهای ۱۳۵۵ تا ۱۳۷۵ بررسی کنیم.

جدول ۲: جمعیت شهری و درصد شهر نشینی استانهای مورد مطالعه (ارقام به هزار نفر می باشد)^۵

۱۳۵۵			۱۳۴۵			۱۳۳۵			سال سرشماری
نسبت جمعیت شهر نشین به کل کشور	درصد جمعیت شهری	جمعیت شهری	نسبت جمعیت شهر نشین به کل کشور	درصد جمعیت شهری	جمعیت شهری	نسبت جمعیت شهر نشین به کل کشور	درصد جمعیت شهری	جمعیت شهری	استان
۱۰۰	۴۷	۱۵۸۵۵	۱۰۰	۳۸	۹۷۹۰	۱۰۰	۱۳/۶	۵۹۹۷	کل کشور
۲/۹	۲۹/۱	۲۴۱	۳/۲	۲۴/۲	۳۱۳	۳/۷	۲۰/۶	۲۲۱	گیلان
۱	۲۴/۵	۱۶۳	۰/۸	۱۵/۲	۸۰	۰/۶	۹/۱	۳۹	سیستان و بلوچستان

داده های جدول ۳ نشان می دهد که استان گیلان در سال ۱۳۳۵ با داشتن کمتر از ۱ درصد مساحت کشور، ۳/۷ درصد از جمعیت شهر نشین کشور را به خود اختصاص داده است و این رقم در سالهای ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵ به ترتیب به ۳/۲ و ۲/۹ درصد جمعیت شهر نشین کل کشور بالغ می گردد. ولی در همین زمان استان سیستان و بلوچستان با داشتن ۱۱ درصد مساحت کشور، ۰/۶ درصد جمعیت شهر نشین کشور در سال ۱۳۳۵، ۰/۸ درصد در سال ۱۳۴۵ و ۱ درصد جمعیت شهر نشین کل کشور را در سال ۱۳۵۵ در بر گرفته است. همچنین

مشاهده می شود که جمعیت شهری کل کشور در سال ۱۳۳۵، ۱۳/۶ درصد بوده است که در همین زمان استان گیلان با ۲۰/۶ درصد جمعیت شهرنشین، رقمی بالاتر از میزان جمعیت شهرنشین کشور را به خود اختصاص داد. و استان سیستان و بلوچستان با دارا بودن ۹ درصد جمعیت شهرنشین، رقمی پایین تر از درصد جمعیت شهری کشور را از آن خود کرده است. البته در سال های ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵، با افزایش روزافزون جمعیت شهری به خصوص در تهران و شهرهای بزرگ، درصد جمعیت شهری کشور در سال ۱۳۵۵، به ۴۷ درصد بالغ می گردد و استان گیلان با دارا بودن ۲۹/۱ درصد جمعیت شهری و استان سیستان و بلوچستان با داشتن ۲۴/۵ درصد جمعیت شهری، از جمعیت شهرنشین کمتری در مقایسه با درصد جمعیت شهری کشور برخوردار می باشند.

جدول ۳: جمعیت کل و جمعیت شهرنشین استانهای گیلان و سیستان و بلوچستان در سال های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵^۶

۱۳۷۵			۱۳۶۵			سال سرشماری
نسبت جمعیت شهرنشین	جمعیت شهری	کل جمعیت	نسبت جمعیت شهرنشین	جمعیت شهری	کل جمعیت	استان
۶۱/۳	۳۶۸۱۷۷۸۹	۶۰۰۵۵۳۸۸	۵۴/۳	۲۶۲۳۵۶۱	۲۹۳۳۵۰۱۰	کل کشور
۴۶/۸	۱۰۳۹۹۸۰	۲۲۳۱۸۹۶	۳۷/۶	۷۸۴۱۷۳	۲۰۸۱۰۷۳	گیلان
۲۶/۱	۷۹۴۵۲۸	۱۷۲۲۵۷۹	۴۰/۷	۲۸۷۷۰۹	۱۱۹۷۰۵۹	سیستان و بلوچستان

با نگاهی به جدول شماره ۳، در می یابیم که از لحاظ درصد جمعیت شهرنشین، تفاوت چندانی میان دو استان گیلان و سیستان و بلوچستان وجود ندارد. برای مثال، میزان جمعیت شهری استان گیلان در سال ۱۳۶۵، برابر با ۳۷/۶ درصد و جمعیت شهری استان سیستان و بلوچستان در سال ۱۳۶۵، برابر

با ۴۰/۷ درصد بوده است. این درصدها برای سال ۱۳۷۵، به ترتیب ۴۶/۸ درصد برای استان گیلان و ۴۶/۱ درصد برای استان سیستان و بلوچستان بوده است. البته باید این نکته را در نظر بگیریم که رقم مطلق جمعیت شهر نشین دو استان تفاوت زیادی با هم دارد. همچنین جمعیت شهر نشین استانهای مزبور در سالهای ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ پایین تر از جمعیت شهر نشین کل کشور بوده است. برای مثال در حالی که جمعیت شهر نشین کل کشور در سال ۱۳۷۵ بالغ بر ۶۱/۳ درصد می باشد، جمعیت شهر نشین استان گیلان در همین سال ۴۶/۸ درصد و جمعیت شهر نشین استان سیستان و بلوچستان در سال ۱۳۷۵، ۴۶/۱ درصد بوده است. می توان گفت که در استان گیلان، وابستگی اکثر مردم به کشاورزی و در آمد حاصل از آن باعث می شود که مردم در روستاها سکونت داشته باشند. از طرف دیگر به دلیل نزدیکی به تهران تعداد زیادی از مردم منطقه برای دستیابی به امکانات اشتغال بهتر به تهران مهاجرت می کنند. این وضعیت در مورد استان سیستان و بلوچستان نیز صادق است و این احتمال وجود دارد که به دلیل نبود امکانات اشتغال به حد کافی، برخی از مردم این استان به استانهای دیگر مهاجرت کنند که ما در بخش بررسی مهاجرت، بیشتر در این مورد بحث خواهیم کرد.

جدول ۴: جمعیت کل و جمعیت شهر نشین شهرهای استان گیلان در سالهای ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵^۲

۱۳۷۵			۱۳۶۵			سال سرشماری
درصد جمعیت شهری	جمعیت شهری	جمعیت کل	درصد جمعیت شهری	جمعیت شهری	جمعیت کل	شهرها
۲۶/۸	۱۰۲۹۹۸۰	۲۲۳۱۸۹۶	۳۷/۶	۷۸۴۱۷۳	۲۰۸۱۰۷۳	استان گیلان
۲۸/۲	۳۰۶۳۶	۶۳۲۵۲	۲۵/۵	۲۲۲۸۹	۵۳۳۲۰	آستارا
۲۱/۵	۲۷۵۹۱	۱۱۴۴۸۳	۳۷/۲	۳۷۳۰۷	۱۰۰۱۷۱	آستانه اشرفیه
۸۲/۲	۹۸۵۳۲	۱۱۹۸۲۷	۷۷/۶	۸۷۰۶۳	۱۱۲۰۷۷	بندر انزلی
۶۲/۲	۲۵۹۳۲۶	۷۱۵۰۹۶	۵۳	۳۲۶۸۲۳	۶۱۴۴۶۶	رشت
۲۷/۱	۵۳۲۸۹	۱۱۳۰۸۳	۲۷/۸	۳۳۹۹۷	۱۲۵۷۶۸	رودبار
۳۳/۱	۸۷۳۷۲	۲۰۲۶۶۲	۳۲/۶	۷۰۰۲۲	۲۰۲۱۳۵	رودسر
۷/۲	۵۰۳۷	۷۱۲۹۲	-	-	-	شفقت ^(۱)
۲۴/۸	۶۵۲۳۲	۲۶۲۲۲۰	۱۶/۲	۲۱۴۱۱	۱۳۲۱۳۵	صومعه سرا
-	-	-	۲۱/۰۵	۲۸۳۷۷	۲۲۹۷۸۰	تالش ^(۲)
۳۱/۰۱	۳۲۰۰۲	۱۰۳۱۹۲	۱۷/۲	۳۰۲۴۲	۱۷۵۵۹۷	فومن
۳۲/۶	۶۶۶۸۲	۲۰۴۳۰۲	۲۳/۷	۵۲۶۹۷	۲۲۲۶۵۹	لامیجان
۵۰/۲	۶۸۶۷۹	۱۳۶۵۷۵	۲۶	۵۰۹۲۸	۱۱۰۸۹۹	لنگرود

از داده های جدول ۴ در می یابیم که جمعیت شهر نشین در استان گیلان در اکثر شهرهای این استان زیر ۵۰ درصد می باشد و اگر از شهر بندر انزلی که از مهمترین بنادر تجاری و بازرگانی کشور محسوب می شود، و شهر رشت که مرکز استان می باشد، بگذریم، در دیگر شهرهای این استان ما شاهد برتری جمعیت روستا نشین نسبت به جمعیت شهر نشین خواهیم بود. دلیل این امر را می توان در وجود زمینهای کشاورزی در روستاها و حتی شهرهای استان

جستجو کرد؛ زیرا اکثر افراد ساکن روستا و بعضاً ساکن شهر. از نظر اقتصادی به کشاورزی و در آمد حاصل از آن وابسته اند. در مورد نسبت بالای جمعیت شهر نشین در شهرهای بندر انزلی و رودبار می توان گفت:

«شهر بندر انزلی از بزرگترین و جامعترین قسمتهای شهر نشین کشور می باشد که نسبت جمعیت شهری آن نسبت به کل جمعیت ساکن در این منطقه از ۸۰ درصد به بالا می باشد. ... بندر انزلی و رودبار که در شمال کشور قرار دارند، از اماکنی محسوب می گردند که جمعیت شهر نشین آنها در طی چند سال اخیر، رشد زیادی را نشان می دهد. البته از آنجایی که شهرستان بندر انزلی بیش از یک مرکز شهری ندارد، رقم بالای جمعیت شهر نشین آن را باید در ارتباط با وسعت کم و در نتیجه معدود بودن روستاهای آن و از طرف دیگر، وجود مراکزی جهت آموزش پرسنل نیروی دریایی کشور و اهمیت ارتباطی آن با اتحاد شوروی دانست، چنانکه در طول سالهای ۱۳۵۵ تا سال ۱۳۶۵، ۱۰۰ درصد به جمعیت شهری آن افزوده شده است.»^۱

در این استان، صنایع کارخانه ای از مواد کشاورزی تغذیه می کنند و شامل بافندگی، برنج کوبی، چای سازی، کنسرو سازی، روغن کشی، حریر بافی و ابریشم بافی، کارهای چوبی و مصنوعات حصیری می باشند و ماهیگیری و اشتغال به برخی از صنایع دستی نیز از حرفه های مهم اهالی به شمار می روند. شهر رشت به عنوان مهمترین مرکز صنعتی این ناحیه از مراکز مهم استانی کشور محسوب می شود که علاوه بر برخورداری از موقعیت ارتباطی با دیگر نقاط کشور، از مراکز مهم کشاورزی ایران و دارای مراکز آموزش عالی و تعلیم پرسنل مورد نیاز سازمان های امنیتی کشور می باشد. نحوه توزیع جمعیت در این استان، به تبعیت از پراکنندگی مسکن غیر متمرکز است. شهرهای این استان زیاد و

فواصل آنها به هم نزدیک است. فعالیت اغلب شهرها و مراکز صنعتی این استان بر پایه تولیدات کشاورزی، (موقعیت بندری شهر بندر انزلی) است و بیشتر این شهرها به صورت مراکز داد و ستد کالا و یا بازار شهری در آمده اند.

جدول ۵: جمعیت کل و جمعیت شهر نشین استان سیستان و بلوچستان

در سالهای ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵^۹

۱۳۷۵			۱۳۶۵			سال سرشماری
درصد جمعیت شهرنشین	جمعیت شهرنشین	جمعیت کل	درصد جمعیت شهرنشین	جمعیت شهرنشین	جمعیت کل	شهرها استان
۴۶/۱	۷۹۴۵۲۸	۱۷۲۲۵۷۹	۴۰/۷	۲۸۷۷۰۹	۱۱۹۷۰۹۵	کل استان
۳۲/۳	۸۳۸۰۲	۲۹۵۳۵۶	۱۵/۴	۲۰۰۲۷	۲۵۹۷۸۶	ایرانشهر
۳۲/۵	۵۱۸۲۹	۱۵۴۹۱۲	۳۱/۳	۲۴۵۰۱	۱۴۲۲۱۱	چادپهار
۳۰	۳۸۹۲۳	۱۲۹۵۶۹	۲۵/۳	۲۰۲۲۸	۸۰۰۰۰	خاش
۳۲/۵	۱۰۸۸۸۹	۳۳۲۵۶۱	۲۷/۳	۷۵۱۰۵	۲۷۴۶۱۱	زابل
۳۳/۰۱	۵۸۵۶۱	۱۷۲۱۴۹	۱۸/۶	۲۲۷۳۰	۱۲۲۰۸۶	سروان
۸۷/۸	۴۲۷۶۳۱	۴۸۷۰۳۱	۸۹/۵	۲۸۵۱۱۸	۳۱۸۳۶۵	زاهدان
۱۶/۷	۲۴۸۹۲	۱۴۸۹۰۱	-	-	-	نیک شهر

با نگاهی به جدول ۵، در می یابیم که استان سیستان و بلوچستان تقریباً حد متوسطی از جمعیت شهر نشین را در سال ۱۳۷۵ دارا بوده است. و همچنین درصد شهر نشینی این استان در سال ۱۳۶۵، ۴۰/۷ درصد بوده است. البته توزیع و پراکندگی این میزان جمعیت شهر نشین در شهرهای مختلف استان، متفاوت و ناهمگون می باشد. برای مثال، شهرستان ایرانشهر که در سال ۱۳۶۵، دارای ۱۵/۴ درصد و شهرستان سروان که دارای ۱۸/۶ درصد جمعیت شهر نشین بوده اند،

وضعیتی کاملاً متفاوت از شهرستان زاهدان مرکز استان داشته اند که در سال ۱۳۶۵، جمعیت شهر نشین بالایی داشته است.

این پراکندگی جمعیت شهر نشین در شهرهای مختلف استان را در سال ۱۳۷۵ نیز می توان مشاهده کرد. برخی از دلایل این امر، عبارتند از: «این استان سرزمین نسبتاً وسیعی است که به دلیل دور بودن از پدیده های باران زا، ریزش جوی سالیانه کمی را دریافت می دارد که این خود تا حدّ زیادی عامل اصلی در فقدان جاذبه های جمعیتی می باشد. البته در سال های اخیر این بخش از کشور، همانند اغلب نقاط کشور از افزایش جمعیت فوق العاده برخوردار بوده است و رشد جمعیت آن مانند سایر مراکز روستایی و دامداری کشور بالا بوده است. البته امکانات جدید شغلی از قبیل ایجاد کارگاهها و کارخانه ها، احداث و گسترش اسکله ها و بنادر، استقرار نیروها برای حفظ مرزها و مبارزه ها با قاچاق، پیشرفت مناطق شهرها و اشتغالات گسترده ساختمانی همه در افزایش جمعیت آن مؤثر بوده اند.»^{۱۰}

بررسی پدیده مهاجرت در استانهای مورد مطالعه

در مطالعات جمعیتی نمی توان از نقش مهاجرت در کاهش یا افزایش جمعیت نواحی مورد بحث غافل شد. مهاجرت در کشور ما نیز نقش بسیار مهمی در مسایل جمعیتی دارد. دکتر حبیب الله زنجانی در مورد مهاجرت در ایران می گوید:

«خصوصیات اقلیمی و جغرافیایی و توزیع نامتعادل فعالیت های برانگیزاننده مهاجرت در ایران، ادامه روند بالای شهر نشینی را تسهیل می کند و بر مشکلات نگهداری جمعیت در روستاها می افزاید»^{۱۱}.

جدول ۶: موازنه مهاجرت در استانهای گیلان و سیستان و بلوچستان
در سالهای ۱۳۳۵ - ۱۳۵۵^{۱۲}

استان	۱۳۳۵	۱۳۵۵
گیلان	۱۶۷۳۳۳	۱۶۷۶۱۱
سیستان و بلوچستان	۴۷۷۱	۶۱۶۱۰

همان طور که در جدول ۶ می بینیم، استان گیلان در طی سال های ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۵ استانی مهاجر فرست بوده است و خالص مهاجرتی این استان در سال های یاد شده به ترتیب ۱۶۷۳۳۳ - (برای سال ۱۳۳۵) و ۱۶۷۶۱۱ - (در سال ۱۳۵۵) بوده است. ارقام مذکور، نشان می دهند که استان گیلان در طی سالهای یاد شده، این میزان از جمعیت خود را به دلیل مهاجرت ز دست داده است. رقم خالص مهاجرتی استان سیستان و بلوچستان در این سالها بیانگر آنست که این استان نیز مهاجر فرست بوده است، هر چند که رقم مطلق خالص مهاجرتی دو استان با هم تفاوت زیادی دارد.

می توان گفت که مردم غالباً به خاطر دستیابی به شرایط بهتر اشتغال و درآمد های بالا، دست به مهاجرت می زنند و هدف از مهاجرت عموماً دستیابی به وضعیتی بهتر از وضعیت مبداء مهاجرتی می باشد.

جدول ۷: خالص مهاجرت مناطق شهری استانهای مورد مطالعه
در سالهای ۱۳۶۱ - ۱۳۵۵^{۱۳}

۱۳۶۱			
خالص مهاجرت	مهاجرت به استان	مهاجرت از استان	استان
۱۱۳۶۳۱-	+۱۳۷۴۲۷	-۲۵۱۰۵۸	گیلان
+۱۸۲۲۴	+۵۲۲۸۳	-۳۴۰۵۹	سیستان و بلوچستان

از داده های جدول ۷ بر می آید که استان گیلان در طی سالهای ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۱، استانی مهاجر فرست بوده است. این استان در طی این سالها پذیرای ۱۳۷۴۲۷ نفر مهاجر بوده است و در مقابل ۲۵۱۰۵۸ نفر از این استان مهاجرت کرده اند و خالص مهاجرتی استان در طی این سالها ۱۱۳۶۳۱ نفر بوده است. دلیل این مهاجر فرستی را می توان در نزدیکی این استان به تهران دانست و همچنین «فشار جمعیت بر روی زمینهای پست و منابع زمینی دریای خزر بسیار زیاد است و این عمل سبب مهاجرت تعداد قابل ملاحظه ای از مردم مخصوصاً به تهران و اطراف آن می شود»^{۱۴}

همچنین در جدول ۷ می بینیم که خالص مهاجرت استان سیستان و بلوچستان در طی سالهای ۶۱-۱۳۵۵، ۱۸۲۲۴+ بوده است که نشان می دهد این استان، استانی مهاجر پذیر بوده است. اگر داده های این جدول را با جدول ۶ مقایسه کنیم، در می یابیم که در طی سالهای ۱۳۵۵ تا سال ۱۳۶۱، موازنه مهاجرتی استان سیستان و بلوچستان، حالت مهاجرپذیری پیدا کرده است.

جدول ۸ مهاجران وارد شده به استانهای گیلان و سیستان و بلوچستان

در سالهای ۱۳۷۵ - ۱۳۶۵^{۱۵}

به تفکیک زن و مرد و به تفکیک نقاط شهری و روستایی

استان	جمع کل	مرد	نسبت مردان	زن	نسبت زنان	نقاط شهری	نسبت نقاط شهری	نقاط روستایی	نسبت نقاط روستایی
گیلان	۳۱۱۷۹۲	۱۶۳۳۱۵	۵۲/۴	۱۴۸۴۷۷	۴۷/۶	۲۲۳۳۱۸	۷۱/۶	۸۸۴۷۴	۲۸/۴
سیستان و بلوچستان	۱۹۵۳۸۸	۱۱۸۰۴	۵۷/۲	۸۳۵۸۴	۴۲/۸	۱۱۸۰۶۸	۵۶/۸	۷۷۳۲۰	۳۹/۶

داده های جدول ۸ نشان می دهد که تفاوت چشمگیری در میزان کل مهاجران وارد شده به استان گیلان و استان سیستان و بلوچستان وجود دارد. می توان گفت که جاذبه های طبیعی منطقه شمال کشور و امکانات ویژه آن، باعث جذب جمعیت و مهاجر پذیری در سالهای اخیر شده است؛ در مقابل استان سیستان و بلوچستان هم تعداد ۱۹۵۳۸۸ نفر مهاجر را در طی سالهای ۷۵-۱۳۶۵ پذیرفته است. قابل توجه است که هم در استان گیلان و هم در سیستان و بلوچستان تعداد مهاجران مرد، بیشتر از تعداد مهاجران زن بوده است که این امر را می توان به امر اشتغال مردان نسبت داد که معمولاً باعث مهاجرت به نقاط مختلف می گردد. همچنین در هر دو استان میزان مهاجران وارد شده به شهرها بیشتر از روستاها بوده است.

پیش بینی جمعیت در استانهای مورد مطالعه

در این بخش ما برآنیم که به پیش بینی جمعیت برای استانهای گیلان و سیستان و بلوچستان در سال ۱۳۸۵ پردازیم؛ از این رو، و بار دیگر به جدول ۳ مراجعه کرده، رشد جمعیت کل کشور و استانهای مورد مطالعه را به دست می آوریم. از آنجایی که معمولاً رشد جمعیت شهری، متفاوت از رشد جمعیت کل است (به دلیل نقش مهاجرت روستا به شهر، درصد رشد جمعیت شهری، بالاتر از جمعیت کل می باشد). لذا ما نرخهای متفاوت رشد را برای جمعیت کل کشور و استانهای مورد مطالعه محاسبه کردیم و سپس به پیش بینی جمعیت پرداختیم. فرمول استفاده شده برای محاسبه رشد جمعیت عبارت است از:

میزان جمعیت در سرشماری دوم $P_2 =$ رشد جمعیت $r =$

$$r = \sqrt{\frac{P_n}{P_0}} = 1 - r$$

میزان جمعیت در سرشماری اول $P_1 =$ جمعیت در سال $n = P_n$

فرمول محاسبه پیش بینی جمعیت در سال مورد نظر عبارت است از:

$$P_n = P_t (1 + r)^n$$

خلاصه مراحل کار را برای یکی از پیش بینی های جمعیت (جمعیت کل

کشور در سال ۱۳۸۵) عبارت است از:

$$P_1 = 49445010 = \text{جمعیت کل کشور در سال } 1365$$

$$P_2 = 60055488 = \text{جمعیت کل کشور در سال } 1375 \quad \text{SID.ir}$$

$$\text{معاسبه رشد جمعیت} = r = \sqrt{\frac{p_2}{p_1}} = 1 - 2 \Rightarrow r = \sqrt{\frac{60055488}{494450}} = 1 - r \Rightarrow r = 1/96$$

$$10 = (\text{رشد جمعیت} + 1) \times P1375 = P1385 = P1385Pt (1+r)^n = \text{پیش بینی جمعیت کشور در سال ۸۵}$$

$$P1385 = 60554488 \times \left(1 + \frac{1/96}{100}\right)^{10} = 72942884$$

ما برای همه پیش بینی های جمعیتی، مراحل مذکور را با توجه به نرخ رندهای مخصوص (مراجعه شود به جدول ۹) در نظر گرفتیم و سپس نسبت های جمعیت شهر نشین کل کشور و استان های مورد مطالعه را محاسبه نمودیم تا این میزان (نسبت جمعیت شهر نشین کل کشور و استان های مورد مطالعه) را با سال های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ که در جدول ۳ بیان شده اند. مقایسه کنیم.

جدول ۹: پیش بینی جمعیت کل و جمعیت شهر نشین برای کشور و استانهای مورد

مطالعه در سال ۱۳۸۵

استان	نرخ رشد محاسبه شده برای جمعیت شهر نشین در سالهای ۱۳۶۵-۷۵	جمعیت کل پیش بینی شده در سال ۱۳۸۵	نرخ رشد محاسبه شده برای جمعیت شهر نشین در سالهای ۱۳۶۵-۷۵	جمعیت شهری پیش بینی شده در سال ۱۳۸۵	نسبت جمعیت شهر نشین پیش بینی شده در سال ۱۳۸۵
کل کشور	%۳/۲	۷۲۹۴۲۸۸۴	%۳/۲	۵۰۴۹۶۲۴۷	۶۹/۲
گیلان	%۲/۹۶	۲۴۱۵۱۳۷	%۲/۹۶	۱۴۰۵۸۸۶	۵۸/۲
سیستان و بلوچستان	%۵	۲۴۷۸۸۰۷	%۵	۱۲۹۴۳۶۷	۵۲/۲

همان طور که در جدول ۹ می بینیم، در سال ۱۳۸۵ نسبت جمعیت شهر نشین کشور ۶۹/۲ درصد خواهد بود و در همین سال، استان گیلان دارای ۵۸/۲ درصد جمعیت شهر نشین و استان سیستان و بلوچستان نیز دارای ۵۲/۲ درصد جمعیت شهر نشین خواهد بود. البته در پیش بینی جمعیت در می یابیم که نرخ رشد جمعیت کل و جمعیت شهری چه برای کل کشور و چه برای استان های مورد مطالعه، متفاوت می باشد. یعنی در حالی که رشد جمعیت کشور برابر با ۱/۹۶٪ می باشد، در همین زمان رشد جمعیت شهر نشین کشور برابر با ۳/۲٪ است. این مطلب برای استان های مورد مطالعه نیز صادق است و رشد جمعیت شهر نشین هر دو استان، بالاتر از رشد جمعیت کل می باشد. از سوی دیگر، اگر جدول ۹ را با جدول ۳ مقایسه کنیم، خواهیم دید که هر دو استان، گیلان و استان سیستان و بلوچستان دارای نسبت جمعیت شهر نشین بالاتری در سال ۱۳۸۵، نسبت به سال های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ خواهند بود و مشاهده می کنیم که استان گیلان در سال ۱۳۸۵ با ۵۸/۲ درصد جمعیت شهر نشین درصد شهر نشین بالایی خواهد داشت که اگر نرخ رشد جمعیت کل و جمعیت شهری را با هم مقایسه کنیم، دلیل این افزایش جمعیت شهر نشین را در خواهیم یافت. این نکته در مورد استان سیستان و بلوچستان نیز صادق است. یعنی در حالی که نرخ رشد جمعیت کل این استان در سالهای ۷۵ - ۱۳۶۵ برابر با ۳/۷ درصد می باشد، نرخ رشد جمعیت شهر نشین این استان در همین زمان برابر با ۵٪ است؛ که این تفاوت نرخ رشد، باعث می شود که ما در سال ۱۳۸۵ با نسبت ۵۲/۲ درصد جمعیت شهر نشینی مواجه شویم که نسبت به سال های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵، به میزان چشمگیری افزایش خواهد یافت.

نتیجه گیری

در این مقاله سعی کردیم به برخی از سؤالات موجود در زمینه وضعیّت شهر نشینی در دو استان سیستان و بلوچستان و استان گیلان پاسخ دهیم. برخی از نکات در بخشهای پیشین بررسی و به سؤالات طرح شده در ضمن اهداف تحقیق، پاسخ داده شد. اینک می‌کوشیم تا یک جمع بندی کلی از تحقیق را ارائه دهیم.

استان گیلان با شرایط خاصّ اقلیمی خود (قرار گرفتن در کنار سواحل دریای خزر و برخورداري از شرایط اقلیمی معتدل) دارای تراکم جمعیت بالایی نسبت به تراکم جمعیت کلّ کشور است. این استان به دلیل برخورداري از زمینه های حاصلخیز و قرار گرفتن در کنار رودهای پرآب، واجد استعداد لازم برای برخورداري از این تراکم و تمرکز جمعیت است؛ یعنی این استان، با داشتن این شرایط، زمینه ای فراهم آورده است تا مردم این استان به فعالیت اقتصادی (کشاورزی و ماهیگیری) پردازند. در عین حال، اکثر شهرهای این استان، دارای تراکم جمعیتی بالایی هستند که از عمده ترین دلایل این تراکم جمعیت، علاوه بر ویژگیهای مذکور می‌توان به امکانات تجاری و صنعتی گسترده (به خصوص در رشت و بندر انزلی) و عوامل دیگر اشاره نمود. این استان تا سالهای اخیر جزو استان های مهاجر فرست بود و با وجود این که هنوز هم هر ساله تعداد زیادی از مردم این منطقه به استان های دیگر و به خصوص استان تهران مهاجرت می‌کنند، ولی در طی سال های ۱۳۷۵ - ۱۳۶۵ تعداد ۳۱/۹۷۲ نفر به این استان وارد شده اند که این امر، دلیلی بر شرایط و استعداد ویژه این استان در پذیرش

جمعیت مهاجر است. از آنجا که این استان، دارای جاذبه های توریستی مؤثری است، یک برنامه ریزی اصولی و مدون در این زمینه، می تواند شرایطی را فراهم آورد که در نتیجه آن، نه تنها این استان می تواند جمعیت بومی خود را حفظ کند، بلکه میتواند پذیرای جمعیت مهاجر سایر استان های کشور نیز باشد. نکته قابل توجه، این است که با وجود آنکه اکثر مردم این منطقه، به کار کشاورزی اشتغال دارند، هنوز هم تولید کشاورزی در این استان به روش سنتی صورت می گیرد؛ این امر خود از عوامل بسیار مهم در دفع جمعیت روستاهای استان به طرف شهرها و سایر نقاط کشور می باشد. بنابراین با فراهم آوردن زمینه های لازم برای مکانیزه کردن کشت محصول در استان، هم می توان انگیزه های مهاجرت استان را تقلیل داد و هم از هجوم جمعیت روستایی به شهرها که شهر نشینی بی رویه را به دنبال خواهد داشت، جلوگیری نمود.

در مورد استان سیستان و بلوچستان باید گفت که متأسفانه تاثیر عوامل جوی و جغرافیایی، باعث شده است که تراکم جمعیت در نواحی مختلف این استان پایین باشد؛ اگرچه در سال های اخیر نقش این عامل کمتر شده است. البته هنوز هم فاصله زیادی از نظر میزان تراکم جمعیت (برای مثال در مقایسه با استان گیلان) با سایر نقاط کشور وجود دارد که یکی از عمده ترین دلایل آن، این است که: «استان سیستان و بلوچستان دارای حد متوسط فضای ۲۴۰ کیلومتری در بین شهرها می باشد و این در حالی است که استان گیلان با دارا بودن فاصله ۶۶ کیلومتری مراکز شهری از یکدیگر در حد متوسط فاصله مراکز شهری کشور (۵۳ کیلومتر) قرار دارد و این از عمده ترین دلایل تراکم پایین جمعیت در سطح استان سیستان و بلوچستان می باشد.»^{۱۶}

با همه اینها، ما شاهد تمرکز جمعیتی بالایی در نقاط شهری زاهدان و دیگر شهرهای استان (در مقایسه با سالهای ۱۳۵۵ - ۱۳۳۵). در داده های سرشماری ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ هستیم و البته همان طور که در جدول شماره ۹ نیز آمده است، استان سیستان و بلوچستان با رشد شهری ۵٪ در طی سال های ۷۵ - ۱۳۶۵، دارای نسبت جمعیت شهر نشین ۵۲/۲ درصد خواهد بود.

از نظر وضع مهاجرت در استان نیز می توان گفت که اگر چه در طی سال های ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۵، این استان بیشتر مهاجر فرست بوده است تا مهاجر پذیر در طی سال های اخیر به دلیل اهمیت استراتژیک منطقه و همچنین فعالیتهای بازرگانی و تجاری با کشورهای همجوار جمعیت مهاجر بسیاری را پذیرفته است تا جایی که تعداد مهاجران استان سال های ۷۵-۱۳۶۵، به ۱۹۵۳۸۸ نفر رسیده است.

اگر به استعدادهای ویژه این منطقه، به خصوص موقعیت مهم اتراتژیک و ارتباطی آن توجه گردد و علاوه بر آن، اگر به نکات امنیتی حفاظت از مرزها و کنترل کالاهای مبادلاتی و تردد مسافران، جلوگیری از ورود کالاهای قاچاق و مخصوصاً مواد افیونی که از این مرزها وارد کشور می شود، توجه خاص مبذول گردد، در آینده شاهد رشد و شکوفایی و تمرکز بیشتر جمعیت در این منطقه از کشور خواهیم بود. به این نکات، مساله مهاجران خارجی را که در این منطقه مشغول به کار هستند، و همچنین توسعه صنایع مختلف مانند راه و ساختمان سازی، ایجاد مجتمع های مسکونی و بر پایی و گسترش فعالیتهای تجاری و بازرگانی و نهایتاً حضور پرسنل اداری، نظامی را برای تمشیت امور همجواری افزود که آینده بهتری را برای این استان محروم کشور نوید می دهد.

پی نوشتها

- ۱- پیران، ۱۳۶۹، ص ۶۴.
- ۲- گیدنز، ۱۳۷۳، ص ۳۹۵.
- ۳- پیران، ۱۳۶۹، ص ۶۸.
- ۴- فرید، ۱۳۴۹، ص ۱۹۷.
- ۵- عابدین درکوش، ۱۳۶۴، به نقل از سالنامه آماری کشور، سالهای ۱۳۶۴ و ۱۳۵۶، صص ۴۱-۴۲.
- ۶- مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، سالهای ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵.
- ۷- مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، سالهای ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵.
- ۸- نظری، ۱۳۶۸، صص ۱۸۴-۱۸۰.
- ۹- مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، سالهای ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵.
- ۱۰- نظری، ۱۳۶۸، ص ۱۹۳.
- ۱۱- زنجانی، ۱۳۷۱، ص ۲۴.
- ۱۲- جوان، ۱۳۶۷، ص ۲۱۷.
- ۱۳- علیزاده و کازرونی، ۱۳۶۴، ص ۳۶.
- ۱۴- نظری، ۱۳۶۸، ص ۲۳.
- ۱۵- مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، سال ۱۳۷۵، صص ۳۱-۱۸.
- ۱۶- نظری، ۱۳۶۸، ص ۱۸۰.

منابع و ماخذ

- پیران، پرویز، دیدگاههای نظری در جامعه شناسی شهری، اطلاعات سیاسی و اقتصادی سال پنجم، شماره ۴۰، دی ماه ۱۳۶۹.
- پیران، پرویز، دیدگاههای نظری در جامعه شناسی شهری. اطلاعات سیاسی و اقتصادی شماره های ۴۲ و ۴۱، بهمن و اسفند ۱۳۶۹.
- جوان، جعفر، جمعیت ایران و بستر جغرافیایی آن، دانشگاه فردوسی مشهد، اردیبهشت ماه ۱۳۴۷.
- زنجانی، حبیب الله، جمعیت ایران تا سال ۱۳۹۰ و چگونگی توزیع آن در سطح کشور، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۴۲ و ۴۱، بهمن و اسفند ۱۳۶۹.
- زنجانی، حبیب الله، جمعیت و توسعه، مجموعه مقالات، مرکز مطالعات و تحقیقات شهر سازی و معماری، چاپ اول، ۱۳۷۱.
- زنجانی، حبیب الله، تحلیل جمعیت شناختی، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۷۶.
- عابدین در کوش، سعید، درآمدی بر اقتصاد شهری، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۴.
- علیزاده، محمد و کازرونی، کاظم، مهاجرت و شهرنشینی در ایران، انتشارات وزارت برنامه و بودجه، چاپ دوم، ۱۳۶۴.
- فرید، یدالله، مقدمه بر روش تحقیق شهرهای ایران، انتشارات مؤسسه تحقیقات اجتماعی و علوم انسانی، مرداد ۱۳۴۹.

- گیدنز، آنتونی، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی، تهران، ۱۳۷۳.
- نظری، علی اصغر، جغرافیای جمعیت ایران، سازمان جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۸.
- مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، سرشماریهای سال های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵.